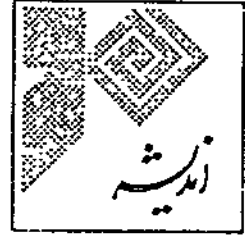


۱۶۸۷۶
۷۷۹۷



سیمای پیامبر اعظم (ص) در قرآن

مکرم محمدنیا کلیمانی

ویژگی های خاص پیامبر (ص)

الف) عقلانیت

در سوره مبارکه قلم، خداوند به جنبه های شخصیتی و ظرفیت بالای وجودی حضرت رسول اکرم (ص) اشاره کرده است. «امانت بنعمه ربک بمجنون (۱)» خداوند در این آیه سوگند یاد کرده است که ای پیامبر تو به خاطر نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته، مجنون نیستی. البته سیاق این آیه دلالت بر این دارد که این نعمت، نعمت نبوت است. در حقیقت در این آیه، خداوند هرگونه اختلال روانی و عقلی را از ایشان دفع می کند زیرا اگر دفع نکند، بر نبوت هم دلالت نخواهد داشت و هدایت الهی که لازمه نظام بشریت است، با نمی گیرد. اگرچه بعضی از مفسران اشاره به این مطلب دارند که مراد از نعمت در آیه فوق، فصاحت بیان، عقل کامل و سیرت مرضیه و برات آن جناب از هر عیب و انصافش به هر صفت پستیده است. (۲)

پس ای رسول ما، آنان که به تو نسبت ناروای جنون را می دهند، کوردلانی هستند که این همه نعمت الهی را در باره تو نمی نگرند، همانند نعمت عقل و درایت سرشار، نعمت امانت و صدق، نعمت علم و دانش آشکار و نبوت و مقام عصمت. (۳)

ب) خلق عظیم

از دیگر ابعاد شخصیتی ایشان که در سوره مبارکه قلم به آن اشاره شده است داشتن فضایل اخلاقی والا و پر بار است. اخلاق عالی پیامبر اکرم (ص)، امواج انقلاب مقدس اسلام را نخست در جامعه عرب و سپس در جهان پدید آورد و در سایه این رستاخیز

برای اصلاح بنیادی جامعه ای که در لجنزاری از فساد و تباهی و خرافات و افسانه های واهی می زیستند، انقلاب اساسی و دگرگونی همه جانبه، ضروری و لازم است. اما راهبر این نهضت و انقلاب باید مردی آسمانی و از جانب خداوند بزرگ باشد تا با دوری از هرگونه تجاوز و سودپرستی، در جهت اصلاح مخالفان برآید. چه شخصیتی بالاتر و والا تر از وجود نازنین پیامبر اعظم (ص) که مرد راه بود و در میان اعراب، رستاخیز عظیم معنوی ایجاد کرد.

در قرآن کریم، ابعاد مختلف شخصیت پیامبر (ص) از جنبه های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. گاه فقط سیمای باطنی و شخصیت وجودی ایشان و گاه نیز به بعثت و مأموریت ها و سختی های رسالت و زمانی هم وظایف امت اسلامی نسبت به ایشان.

در این نوشتار به آیاتی که سیمای توراتی حضرت ختمی مرتبت (ص) را در بعد رسالت نشان داده توجه شده است. زیرا پرداختن به همه جنبه های شخصیتی ایشان میسر نبوده و نیست. نویسنده در این نوشتار با توجه به ارزش و جایگاه والا ی رسالت پیامبر اکرم (ص)، ویژگی های منحصر به فرد ایشان را مد نظر قرار داده تا حداقل پیروان ایشان در امورات مهم بخصوص مردمیاری خود را به این صفات حسنه آراسته، تا به صنای باطن و جلای دل رسیده و قدم های مشرثمیری برای احیای معارف و احکام دین اسلام بردارند.

عظیم معنوی، بر آنگذگی به پگانگی، بیکارگی به تلاش و خودخواری به دوستی تبدیل شد و در این میان، انسان هایی تربیت شدند که همیشه نمونه های بارز اخلاقی بوده و هستند. و آنک لعلی خلق عظیم (۴)

یکی از اهداف والا ی رسالت پیامبران الهی، پژوهش فضایل اخلاقی است تا انسان در مسیر کمال که علت شیای آفرینش است قرار گیرد و پیامبر عظیم الشان با اشاره به فلسفه بعثت خویش در حدیث معروف «لما بعثت لائم مکارم الاخلاق» بدان تصریح فرموده اند. تعلیمات اخلاقی پیامبران و رفتار ایشان بهترین و شایسته است تا بشر را به زندگی ایده آل برسانند و به فلاح و رستگاری نزدیک تر کنند.

هر چه علم و صنعت و فناوری به پیش می رود نیاز بشر به اخلاق بیشتر می شود. بالا رفتن آمار جرایم، جنایات، فساد، تپاهیکاری و ... روشنگر همین حقیقت است و تنها عامل مهار روح سرکش انسان و غریز عصبانگرا و، اخلاق واقعی است که از ایمان حقیقی به خدای سرچشمه می گیرد.

البته اگر چه اخلاق و تعلیمات آن برای همه ضروری است، اما برای رهبر جامعه این ضرورت بیشتر احساس می شود؛ زیرا اولاً خود باید نمونه ای از صفات برجسته انسانی باشد تا در دیگران اثر کند؛ ثانیاً، مسوولیت هدایت جامعه به قدری سنگین است که انسان بدون داشتن اخلاق کامل، نمی تواند آن را تحمل کند.

سیره مبارکه رسول اکرم (ص) اسراسر نور و هدایت و تعلیم و تربیت بود. راویان درباره اخلاق او گفته اند: «خلق رسول الله القرآن» (۵)

گرچه پیامبر اکرم (ص) امری کل افراد بشر است، اما میزان بهره مندی از این کانون نور و هدایت، یکسان نیست. علی (ع) نخستین شاگرد مکتب اسلام در خصوص تاثیر تربیت رسول اکرم (ص) در شکل گیری شخصیت اخلاقی خود، می فرماید: «من از پیامبر (ص) به طور کامل پیروی می کردم و هر روز برای من از اخلاق خود نشانه ای بر پامی داشت و مرا به پیروی آن فرمان می داد.» (۶) البته، لازم به ذکر است که مفسران، تعبیرات خاصی برای واژه های «خلق عظیم» داشته اند که به دلیل اهمیت موضوع به شرح ذیل به آن اشاره می شود. الف- ای پیامبر تو بر دین بزرگی هستی که اسلام است. (۷)

ب- عنده ای هم گفته اند که تو متخلق به اخلاق اسلام و بر طبع بزرگی هستی و حقیقت اخلاق آن است که انسان نفس و باطن خود را آرامه کند. (۸)

ج- ابوعلی جیبی گوید: «خلق عظیم، صبر بر حق و بحش و وسیع و تدبیر امور بر مقتضای عقل است.» (۹)

د- عایشه، خلق عظیم را در اخلاق پیامبر (ص)، متضمن ۱۰ آیه اول سوره مؤمنون، بیان می کند. (۱۰)

ه- خلق عظیم، اجتماع مکارم اخلاق است، که آن حضرت فرموده اند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (۱۱)

علامه طباطبایی در «المیزان»، اشاره خاص دیگری را نیز بیان کرده اند و آن این است که اگر چه این آیه اشاره به سجایای اخلاقی عظیم رسول گرانقدر (ص) دارد و به حسن خلق آن حضرت بر می گردد، اما با در نظر گرفتن سیاق آیات به اخلاق اجتماعی ایشان نیز نظر دارد (اخلاق معاشرت). پس از نظر ایشان، مراد از خلق عظیم، دین اسلام نیست، بلکه در حقیقت دین اسلام مشتمل بر کمال هر خلق پسندیده است که رسول خدا (ص) دارای آن بوده که البته در احسن الحدیث نیز بر این نظر تکیه شده است. (۱۲)

یا همه نظرات مطرح شده، شاید یکی از دلایل اصلی پیروزی پیامبر (ص) در عرصه های مختلف، قدرت جاذبه اخلاقی ایشان بود که دشمنان سرسخت را تحت تاثیر قرار می داد. از مجموع روایات به خوبی استفاده می شود که حسن خلق، کلید پیشرفت و وسیله جلب رضایت خدا، نشانه قدرت ایمان و همپراز عبادت های شبانه و روزانه است. (۱۳)

مرحوم فیض در کتاب «محجة البیضاء» روایت کرده که رسول خدا (ص) به درگاه خداوند متعال بسیار تضرع و زاری می نمود و همیشه از حلا می خواست که او را به آداب خوب و اخلاق نیک زینت دهد، پس

عصری از حیظه رسالت و قلمرو بعثت تو مستثنی نیست. (۲۰)

از سوی دیگر، آیه اشاره به این دارد که پیامبر (ص) محور رحمت خاصه است. زیرا تو ای پیامبر (ص) رحمت خاصه ای، زیرا را آورد تو هدایت و سعادت است. «والله یختص برحمته من یشاء» (۲۱) اگر چه در قرآن بعضی از مصادیق رحمت خاص ذکر شده است؛ همانند باران (۲۲)، قرآن (۲۳) و... اما رحمت خاص بودن پیامبر (ص) بدین معنا نیست که ایشان برای بعضی رحمت هستند و برای بعضی نیستند. بلکه منظور قلب های تاریکی است که از رحمت وجودی پیامبر (ص) بهره مند نمی شوند. (مانند عدم بهره گیری سنگ خارا و زمین شوره زار را از باران). که برای استفاده از رحمت خاصه، چاره ای جز پیروی از محور رحمت خاص نداریم.

شون رحمت آمیز پیامبر (ص)

۱- نرزش در برابر مخالفان

از دیدگاه قرآن، شاخص ترین ویژگی اخلاقی آن حضرت، اخلاق زبیا و برخوردار شفتت آمیز آن حضرت با دیگران بود. او با داشتن این خصلت دل های بسیاری را به خود شیفته کرد. ترمی دل رسول اکرم (ص) را در این آیه می توان دید که «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (۲۴)...

رحمت الهی شامل حال پیامبر (ص) شد که بتواند نسبت به امت اسلامی مهربان باشد. در حقیقت این آیه اشاره به یکی از صفات خاص رهبری دارد و آن این است که هر رهبری برای هدایت مردمش، نیاز به فرمخویی دارد بخصوص ترمخویی در برابر کسانی که تخلفی از آنان سرزده و بعداً پشیمان شده اند که اگر این صفات نبود، مسلمان رهبر در برنامه ریزی خود با شکست مواجه می شد.

حضرت علی (ع) درباره اخلاق آن حضرت و ترمخویی ایشان، می فرماید: «پیامبر (ص) سخاوتمندترین مردم و شجاعترین و راستگوترین آنها و وفادارترین نسبت به وعده و ترمترین از نظر خوی و کریم ترین مردم در برخورد و معاشرت بود...» (۲۶)

۲- حریص در ایمان آوردن و هدایت مردم (۲۷)

پیامبر (ص)، رهبری است که اگر به سختی گرفتار شوید برایش سنگین است و نسبت به ایمان شما آزمند. پیامبری برای شما آمده که از جانتان برخاسته، انحراف شما برای او سحت است. باحرص و شوق کوشش می کند تا شما مؤمن شوید، او مظهر رافت و رحمت خدا برای مؤمنان است. «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم» (۲۸) پس شاکر حق باشید که از آینه رسالت و نبوت رسول اکرم (ص) رحمت خاصه نصیبتان شده است.

از دیدگاه قرآن، شاخص ترین ویژگی اخلاقی آن حضرت، اخلاق زبیا و برخوردار شفتت آمیز آن حضرت با دیگران بود. او با داشتن این خصلت دل های بسیاری را به خود شیفته کرد. ترمی دل رسول اکرم (ص) را در این آیه می توان دید که «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک»

در دعای خود می گفت: «خدایا اخلاق مرا نیکو گردان و نیز می گفت خدایا، از اخلاق بد دورم ساز.» (۲۲)

در زمینه مباحث گذشته، از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «ان الله عزوجل ادب نبيه علی محبته» فقال: «انک لملی خلق عظیم» (۲۵) ثم فرض الیه فقال عزوجل «ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» (۲۶) و قال عزوجل (من یطع الرسول فقد اطاع الله) (۲۷)

خداوند پیامبر (ص) را بر محور محبت خود، ادب کرد. به گونه ای که محب یا محبوب خدا باشد و دیگران را بر اساس محبت الهی به خداوند دعوت کند. پس معلوم می شود که محور محبت خدای سبحان، اخلاق عظیم است و هر کس متخلق به خلق عظیم بود، محبوب خداست. (۲۸)

ج- رحمت برای جهانیان

«و ما ازسلناک الا رحمة للعالمین» (۲۹) در این آیه شریفه، قلمرو رسالت پیامبر (ص) مشخص شده است. به زبان دیگر، می توان گفت که ای پیامبر (ص) تو برای تمام جوامع بشری در پهنه زمین و در سینه زمان تا روز قیامت مبعوث شدی و هیچ

در یکی دیگر از آیات الهی، آمده که ای پیامبر (ص) گویاداری از شدت اندوه جان می سپاری و فلعلک باخبر نفسک علی آثارهم ان لم یومنوا بهذا الحدیث اسفاه (۲۹) تو برای هدایتشان تلاش کردی، باید هم کوشش کنی، اما چرا از غصه خود را هلاک می کنی؟ همچنین در آیه شریفه «فلا تنحب نفسک علیهم حسرات» (۳۰) نیز بر این مسأله تکیه شده که چیزی نباشد که جانت بر اثر حسرت بی ایمانی آنها از دست برود. خدا می داند که این افراد چه می کنند!

۳- مانع نزول عذاب الهی

ای پیامبر (ص) آن قدر مجلای رحمت خاصه هستی که با بودن تو، عذاب همگانی که به حیات تبهکاران خاتمه می دهد، نمی آید. و ما کان الله لیمدبهم و انت فیهم... (۳۱)

این عباس می گوید: پیامبر (ص)، پیامبر رحمت است برای خوب و بد و مؤمن و کافر، برای مومن در دنیا و آخرت و رحمت است برای کافر در همین دنیا. در حقیقت بعثت پیامبر (ص) رحمتی برای همه اهل جهان است. (۳۲)

بنابراین، پیامبر اکرم (ص) بخشایشی برای همه عالمیان است. زیرا ای پیامبر آنچه را که به آن مبعوث شدی سبب هدایت و سعادت ایشان و موجب صلاح و معاش و معاد ایشان می شود و همچنین برای کافران رحمتی است که ایشان را از عذاب هایی که بر ائمه پیشین وارد آمده، امنیت می دهد. (۳۳)

در «الدر المنثور» آمده، که پیشی در کتاب «دلایل» ارباب هریره روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: من رحمتی هستم که خدا بر یسر هدیه کرده است. «انارحمة مهداه» (۳۴) که رسول خدا (ص) از جبریل پرسید که آیا از این رحمت چیزی به تو رسیده، گفت: آری من از عاقبت کار خود می ترسیم پس به میمنت تو، امنیت یافتیم و خداوند مرا ستود. (۳۵) «ذی قوه عند ذی العرش مکین» (۳۶) به عبارت دیگر، رحمت بودن وجود پیامبر (ص) برای همه جهانیان، جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل را دارد و مسلماً فاعلیت نتیجه، بستگی به قابلیت هم دارد. به هر حال، در دنیای امروز که فساد و تباهی و ظلم و جنایت و خیانت، هزار گونه ناپسامانی آفریده است، مفهوم رحمة للعالمین پیامبر گرانقدر (ص) از هر زمانی آشکارتر است. چه رحمتی بالاتر که برنامه ای آورده که عمل به آن نقطه پایانی است پر همه این ناکامی ها، آری دستور اتش، اخلاقش، برنامه اش همه رحمت است و تداوم این رحمت، سرانجامش حکومت صالحان یا ایمان بر تمام معموره زمین خواهد بود. (۳۷)

از امیرمؤمنان علی (ع) روایت شده که در خدمت پیامبر (ص) ار جایی عبور می کردیم به هیچ درخت و سنگی نمی رسیدیم، حتی آن که به آن حضرت سلام می کردند. (۳۸)

و معاد انگیزه این حرکت و ذکر خدا تداوم بخش آن خواهد بود. (۴۱)

در تفسیر کشاف آمده که: حقیقت معنای آیه چیست؟ دو احتمال آمده: اول این که، خود آن جناب اسوه ای حسنه و نیکو هستند به عبارتی دیگر، بهترین رهبر و دوم این که: بگوئیم خود ایشان اسوه نیستند، بلکه حلقی در اوست که جا دارد مردم به وی در آن صفت سوا اقتدا کنند. که آن «مواصاه» است یعنی این که خود را برتر از مردم نمی بینند. که البته تأکید بر وجه اول شده است. (۴۲)

سالار شهیدان حسین بن علی (ع) در نهضت جهانی خود با اقتنا به سیره پیامبر گرامی (ص) می فرمایند: و اسیر بسیره جلی و آبی (۴۳) به عبارت دیگر یکی از بارزترین سیره پیامبر اکرم (ص) که همان مقام فناست در جریان کربلا به خوبی ظهور کرد.

۵- خاتم النبیین

در آیه شریفه «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیماً» (۴۴) آمده است که محمد (ص) هم خاتم النبیین و هم خاتم الرسول است و همچنین اشاره به این دارد که ارتباط پیامبر (ص) با شما مردم در ارتباط رسالت و نبوت است و آنچه او می کند به امر خدای سبحان است. (۴۵)

در حقیقت وجود محمد (ص) نبوت و رسالت مهر خورد و دفتر رسالت به وجودش پیچیده شده و خاتمه پیدا کرده است. در آیه کریمه «و ما محمد الا رسول...» (۴۶) خداوند جایگاه ویژه پیامبر (ص) را رسالت ایشان می داند و این حقیقت را به مردم می آموزد که اسلام دین فردرستی نیست و اهداف ایشان از خودشان برتر است.

درباره آیه ۴۰ سوره احزاب روایتی از جابر بن عبدالله انصاری به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرموده اند: «آمال من در میان پیامبران، مانند مردی است که خانه ای را آباد کرده و آن را تکمیل و نیکو نموده مگر جای یک خشتی که باز گذاشته که هر کس داخل آن خانه می شود و به آن نگاه می کند، می گوید: چه اندازه زیبا است مگر جای این خشت و سپس فرمودند، من آن خشت هستم و با من پیامبران خدا پایان یافتند.» (۴۷)

لازم به ذکر است، مقصود از خاتمیت هم تأخر و هم خاتمیت زمانی و هم خاتمیت رتبی در قوس صعود است. پس همان طور که رسول اکرم (ص) در قوس نزول سرسلسله انسان های کامل است چون «اول ما خلق الله» است؛ در قوس صعود هم، اوج و قله عالی رسالت است، زیرا او خاتم انبیاء است. از این جمله نه تنها استفاده می شود که پیامبر اکرم (ص) واجد همه مزایای مشترک و مزایای فرد فرد انبیا و بعضی از خصایص ویژه است که انبیای قبلی فاقد آن بوده اند، بلکه نکته دیگری هم استفاده می شود که تا روز

در حقیقت وجود محمد (ص) نبوت و رسالت مهر خورد و دفتر رسالت به وجودش پیچیده شده و خاتمه پیدا کرده است. در آیه کریمه «و ما محمد الا رسول...» خداوند جایگاه ویژه پیامبر (ص) را رسالت ایشان می داند و این حقیقت را به مردم می آموزد که اسلام دین فردرستی نیست و اهداف ایشان از خودشان برتر است.

د- اسوه جهانیان

«لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیراً» (۴۹) یکی دیگر از خطابیهای آیات شریفه قرآن، معمولاً به جامعه اهل ایمان است. تا اینکه مقتضای ایمان و تصدیق رسالت رسول آن، این است که از سیره و روش رسول گرامی (ص) پیروی و تاسی نمایند که سیره حسنه دارای برنامه ای کامل است و در آن شائبه و نقص نخواهد بود. (۴۰)

پس ای انسان های باایمان، بهترین الگو برای شما در زندگی پیامبر اکرم (ص) است. روحیات عالی، استقامت، هوشیاری، درایت، احلاص و... هر کدام می تواند سرمشقی برای همه مسلمین باشد. این ناخدای بزرگ به هنگامی که سفینه اش گرفتار سخت ترین طوفان ها می شود، کمترین سستی به خود راه نمی دهد. هم ناخدا است و هم کسدم مطمئن این کشتی، هم چراغ هدایت و هم مایه آرامش سرنشینان. مسلماً یا پیروی از او خطوط خود را اصلاح می کنید و در مسیر صراط مستقیم قرار می گیرید. البته کسانی باید از این اسوه حسنه بهره گیرند که اولاً امید به خدا داشته و ثانیاً به معاد معتقد و ثالثاً خدا را بسیار یاد کنند. در حقیقت ایمان به میدا

قیامت، احدی بهتر از پیامبر (ص) نخواهد آمد زیرا او کامل است و هر چند میلیون ها سال بگذرد کامل تر از او نخواهد آمد. توای پیامبر (ص) بر بیش همه انبیاء سیطره داری و گواهی می دهی. تو نه تنها شهید هستی بلکه شهید انبیاء و امت های آنان هستی. (۲۸) فکیف اذا جثا من کل امه بشهید و جثا یک علی هولاء شهیداً (۲۹).

پیامبر گرایی ما مظهر محبت کامله حق است و خداوند او را در قرآن محور محبت قرار داد که دان کنیم تحبونی الله فاتحبونی یحببکم الله... (۵۰) کسی که پیامبر را دوست می دارد، می کوشد که مثل او متخلق به اخلاق الهی شود و اطاعت او، انسان را محبوب خدا می کند. زیرا او من یطع الله والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقاً (۵۱)

نتیجه

مقام شامخ رسالت را خود قرآن کریم که کلام خداست و خود رسول اعظم (ص) و یاولی خدا، که به منزله جان رسول اکرم (ص) است؛ تشریح کرده و کلام دیگران، گویای مقام رسا و بلند رسالت نخواهد بود. رسالت همان نعمتی است که خداوند آن را بر مؤمنان منت نهاد تا به اندازه درجه وجودی خود، از این نعمت بیکران بهره ببرند. ولقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم... (۵۲) کار رسول خدا این بود که آیات الهی را برای مردم به ویژه مؤمنان تلاوت کند، آنان را تزکیه و نمو دهد تا از جهان مادی بریده و به ملکوت راه یابند. خداوند او را فرستاده تا او را شاهد و بشیر و نذیر و دعوت کننده به الله و سراج منیر معرفی نماید. (۵۳) پس توای رسول به پیروانت بگو که این قرآن همان صراط مستقیم است که خود رسول اکرم (ص) در بستر آن است. (۵۴) پس پیامبر (ص) طیب دوار است که برای طبابت روحی افراد به سراغ آنها می رود. (۵۵) امید است که با نسخه شفای او یعنی قرآن کریم به خلق و خوی الهی اش متمسک و بهره مند شویم.

کتابت

- ۱- سوره قلم، آیه ۲.
- ۲- تفسیر المیزان، جلد ۱۹، ص ۶۱۷.
- ۳- تفسیر نمونه، جلد ۲۴، ص ۲۷۰.
- ۴- سوره قلم، آیه ۴.
- ۵- سنن ابی، ص ۵۸.
- ۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۹.

- ۷- نورالتقلین، جلد ۵، ص ۳۸۹، ص ۵۵.
- ۸- البیروان، ج ۵، ص ۳۶۹، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۸۲، مجمع البیان، ج ۲۵، ص ۲۱۲.
- ۹- تیان، ج ۱۰، ص ۷۵.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- مجمع البیان، ج ۲۵، ص ۲۱۲.
- ۱۲- المیزان، ج ۱۹، ص ۱۶۳، احسن الحلیث، ج ۱۱، ص ۲۷۹.
- ۱۳- نمونه، ج ۲۴، ص ۳۷۱.
- ۱۴- سنن ابی، ص ۵۹.
- ۱۵- سوره قلم، آیه ۴.
- ۱۶- سوره حشر، آیه ۷.
- ۱۷- سوره نساء، آیه ۸.

- ۱۸- سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۹، ص ۱۰۳.
- ۱۹- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.
- ۲۰- سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۸، ص ۱۳۶.
- ۲۱- سوره بقره، آیه ۱۰۵.
- ۲۲- سوره اعراف، آیه ۵۷.
- ۲۳- سوره اعراف، آیه ۵۲، سوره اسراء آیه ۸۲.
- ۲۴- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
- ۲۵- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۲۰.
- ۲۶- سایت پیامبر اعظم (ص)، به نقل از

- مکارم الاحلاق، ج ۱، ص ۵۱، حلیث ۲۰.
- ۲۷- سیره رسول اکرم (ص) در قرآن کریم، ج ۸، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.
- ۲۸- سوره نوبه، آیه ۱۲۸.
- ۲۹- سوره کوف، آیه ۶.
- ۳۰- سوره فاطر، آیه ۸.
- ۳۱- سوره افعال، آیه ۳۳.
- ۳۲- مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۳.
- ۳۳- التیان، ج ۷، ص ۲۸۵، جوامع الجامع، ج ۲، ص ۳۱، صص ۲، ج ۲، ص ۳۵۸، خلاصه المنهج، ج ۳، ص ۲۸۸.
- ۳۴- مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۳، المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۵، ج ۱۳، ص ۵۲۶.
- ۳۵- مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۳، صافی، ج ۳، ص ۳۱۱.
- ۳۶- سوره تکویر، آیه ۲۰.
- ۳۷- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۲۶.
- ۳۸- سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۸، صص ۶۲ و ۶۳.
- ۳۹- سوره احزاب، آیه ۲۱.
- ۴۰- انوار درحشان، ج ۱۳، ص ۷۳.
- ۴۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴۱.
- ۴۲- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۲۲.
- ۴۳- سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۸، صص ۱۳۶ و ۲۰۶.
- ۴۴- سوره احزاب، آیه ۲۰.
- ۴۵- المیزان، ج ۱۶، ص ۲۸۶.
- ۴۶- سوره آل عمران، آیه ۱۲۲.
- ۴۷- مجمع البیان، ج ۲۰، ص ۱۳۱، المیزان، ج

- ۱۶، ص ۲۹۰، نورالتقلین، ج ۴، ص ۲۸۳، من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۳۲، انوار درحشان، ج ۱۳، ص ۱۲۹.
- ۴۸- سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۸، صص ۲۳ تا ۲۵.
- ۴۹- سوره نساء، آیه ۴۱.
- ۵۰- سوره آل عمران، آیه ۳۱.
- ۵۱- سوره نساء، آیه ۶۹.
- ۵۲- سوره آل عمران، آیه ۱۶۲.
- ۵۳- سوره احزاب، آیات ۲۵ و ۲۶.
- ۵۴- سوره بقره، آیات ۱ تا ۲.
- ۵۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ص ۲۰۰.

منابع

- ۱- جوادی آملی، عبدالله، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن کریم، نشر اسراء، قم، حراد ۱۳۸۵، ج ۸.
- ۲- الحسینی البیروانی، سید هاشم، البیروان فی تفسیر القرآن، بنید بعثت، تهران، ۱۳۱۵، (نرم افزار جامع)
- ۳- حبیبی الهمدانی، سید محمد، انوار درحشان در تفسیر قرآن، نشر کتاب فروشی لطیفی، تهران، ۱۳۸۰، (ق. نرم افزار جامع)
- ۴- سایت پیامبر اعظم (ص) در اینترنت.
- ۵- طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
- ۶- طباطبایی، سید محمد حسین، سنن ابی، نشر الاسلامیه، بی جا، ۱۳۶۳.
- ۷- الطبرسی الطوسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید ابراهیم میر تقی و دیگران، انتشارات فراها، تهران، ۱۳۶۲-۱۳۵۹، (نرم افزار جامع)
- ۸- الطبرسی الطوسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن، جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۱۲، (نرم افزار جامع)
- ۹- الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی، التیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹، (نرم افزار جامع)
- ۱۰- عبدالباقی، محمد فراد، المعجم الفیرس لاهلالمقرن لکریم بنوری قمی، بی جا.
- ۱۱- العروس الحویزی، عبد علی بن جمعه، نورالتقلین، مطبوعه العلییه، قم، بی تا، (نرم افزار جامع)
- ۱۲- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، دارالزهراء (ص)، بیروت، ۱۴۰۵، (نرم افزار جامع)
- ۱۳- المصی الکاشانی، علامه حسن، الصافی فی تفسیر کلام الله، نشر دارالمرتبص، مشهد، بی تا، (نرم افزار جامع)
- ۱۴- قرشی، سید علی اکبر، احسن الحلیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۶، (ش. نرم افزار جامع)
- ۱۵- القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر قمی، موسسه دارالکتاب، قم، بی تا، (نرم افزار جامع)
- ۱۶- کاشانی، ملا فتح الله، خلاصه المنهج، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، (ق. نرم افزار جامع)
- ۱۷- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۶-۱۳۵۳، (نرم افزار جامع)